

سوپر استار

ستار‌های برای همه فصول

نیکولاس کیچ در هفتم ژانویه ۱۹۶۴ بانام «نیکولاس کیم کاپولا» در کالیفرنیا ی آمریکا به دنیا آمده است. پدرش آوگوست کوپولا پروفیسور ادبیات و عمویش فرانسیس فورد کاپولا کارگردان سه گانه پدرخوانده بود. او ۱۲ سال داشت که پدر و مادرش از هم جداشدند.

عشق به بازیگری در نیکولاس باعث شد دبیرستان را رها کند و وارد کنسررواتوار جوانان سانفرانسیسکو شود؛ یک سال بعد در سال ۱۹۸۱ بازیگری را از تلویزیون شروع کرد. چندی نگذشت که وارد عالم سینما شد و خیلی زود به عنوان یک چهره جوان به شهرت رسید.

کیچ در اوایل دوران پیشرفت شغلی خود نام خانوادگی خود را تغییر داد تا بتواند شهرت خود را جداز خانواده کسب کند.

نیکولاس تنها بازیگر نیست، تهیه‌کنندگی و کارگردانی هم در کارنامه سینمایی او ثبت شده است. کارنامه پرکاری که بیش از ۶۰ فیلم برجسته هالیوود در آن به چشم می‌خورد.

شهرت نیکولاس زود هنگام به دست آمد و جایزه اسکار بهترین بازیگر رادر ۳۲ سالگی به خاطر بازی در فیلم ترک لاسوگاس از آن او کرد. نیکولاس پنجمین بازیگر جوانی است که جایزه اسکار را دریافت کرده است.

نیکولاس سه بار ازدواج کرد. اولین بار با پاتریسیا آرکد، بازیگر که ازدواج آنها پنج سال دوام آورد.

یک سال بعد از جدایی اول، نیکولاس با دختر الویس پریسلی، خواننده ازدواج کرد. او قبل از این ازدواج از طرفداران الویس پریسلی بود. این زوج چهار ماه بعد از ازدواج در خواست طلاق دادند ولی طلاق رسمی آنها دو سال بعد انجام شد. طلاق طولانی‌تر از روزهای زندگی زناشویی.

همسر سوم و کنونی نیکولاس کیچ، آلی کیم است. آنها بعد از ازدواج صاحب یک پسر شدند.

محبوبیت نیکولاس در میان هوادارانش است و مسوولان اورلئان بیشتر از یک بازیگر مشهور، او را به چشم یک بدهکار مالیاتی می‌بینند. در سال ۲۰۰۹ مسوولان این ایالت ادعا کردند که نیکولاس حدود شش میلیون دلار بدهی مالیاتی دارد. البته از چند سال قبل نیکولاس شروع به خرید و فروش دایمی املاک بزرگ و هکتاری کرد. یکی از املاک خرید جزیره‌ای در باهاماس بود.

سال گذشته، نیکولاس در کنار دادگاه مالیاتی، بازداشت را هم تجربه کرد. در نیمه شبی او به جرم بدر رفتاری با همسرش و بر هم زدن آرامش عمومی توسط پلیس بازداشت شد و حالا باید در دادگاهی که به زودی بر گزار می‌شود، محاکمه شود.

نیکولاس در بازیگری با کسکی شوخی ندارد. کارهایی که او در برخی از فیلم‌هایش انجام داده، تعجب همه را برانگیخته است. چنانکه زمان بازی در فیلم «مسابقه با مسم» بازویش را شکافت. همچنین به خاطر ایفای نقش در فیلم «بردی» دو دندان‌ش را کشید و در «پوسه‌خون‌آشام» نیز در نهایت شگفتی و ناباوری حشره زنده‌ای را بلعید. نیکولاس می‌گوید: «لجام کارهای غیر متعارف، امر با شور و هیجان می‌رساند. من جزو شمار اندک بازیگرانی هستم که بیشتر مجلات روزنامه‌ها، نشریات و رسانه‌ها، از زندگی خانوادگی و شخصی وی همه چیز را می‌دانند. بـا این حال بازیگری بر اـبـم شوخی نیست و آن را جدی می‌گیرم. شاید خیلی‌ها باور نکنند اما من حاضرم برای یک نقش متفاوت، از تمام دلبستگی‌ها، علایق، دلتخوشی‌ها و آرامشم بگذرم. چون به این باور رسیده‌ام که هر نقش متفاوت، بر اایم یک زندگی جدید است. من بازیگری حرفه‌ای را، ایفای نقش‌های متفاوت و غیر متعارف می‌دانم. نقش‌هایی که جزو زندگی‌ات شوند و دیگر برایت تکرار نشوند. بازیگر حرفه‌ای شکارچی نقش‌های متفاوت است.»

اهالی هالیوود، نیکولاس را با یک ویژگی می‌شناسند: او هر کاری دلش خواسته انجام داده ولی همچنان ستاره‌ای محبوب باقی مانده است. در واقع زندگی حرفه‌ای و خصوصی نیکولاس حواشی بسیاری داشته که می‌توانسته او را از لیست بازیگران موفق خارج کند و باعث بدنامی او شود ولی این خطر از او گذشته است. شاید این موفقیت به اعتماد به نفس نیکولاس بر می‌گردد که در تمام مصاحبه‌هایش هم عیان و قابل فهم است. نیکولاس علاوه بر اسکار جوایز دیگری چون برنده جایزه بهترین بازیگر مرد از سوی منتقدان نیویورک و برنده جایزه بهترین بازیگر درام‌مرد از سوی گلدن گلوب است.



ماجرای کنسرت استاد همایون خرم در ماه‌های گذشته از اتفاقات عجیب دنیای موسیقی ایران بود. در واقع اصلا کنسرتی قرار نبود که برگزار شود. ماجرا از یک نشست دوستانه در یک سالن کوچک ۲۰۰ نفره شروع شد که قرار بود در مورد کتاب خاطرات «همایون خرم» بحث شود. یک آگهی کوچک هم در روزنامه‌ای برای این نشست کار شده‌و در روز برنامه هجوم خیل جمعیت به این سالن، تهیه‌کننده‌های مختلف را به این فکر انداخت که استادی که همچنان در بین مردم محبوب است و برگزاری کنسرت ایشان می‌تواند تجدید خاطر مای باشد برای همه کسانی که همایون خرم را دوست دارند و با کارهایش زندگی کرده‌اند. در مدت زمان کوتاهی همه بلیت‌ها فروش رفتند و استقبال به طرز عجیبی بی نظیر بود. هجوم مردم به شماره تلفن‌های شرکت کنسرت گذار پس از اتمام برنامه استاد باعث شد که این شرکت مجبور شود اجرای استاد را یک بار دیگر تمدید کند. کنسرت استاد باز هم تمدید شد و باز هم به طرز عجیبی همه بلیت‌های اجرا در عرض چند روز و به سرعت به فروش رفتند تا معلوم شود همایون خرم هیچ‌وقت از یاد مردم نرفته و نخواهد رفت. سال گذشته، سال بازگشت این بزرگ‌مرد عرصه موسیقی به میدان بود و همین دوری ۱۰ساله و این بازگشت باشکوه، بهترین بهانه‌ای بود که می‌شددلر حال جدید سرافش رفت و احوالش را برسید.

♦ ♦ ♦

همایون خرم خیلی سال قبل در قالب برنامه «گلها» وارد حافظه هنری مردم می‌شود و آنها شیفته آثار و کارهای او می‌شوند. یک وقفه حدود ۱۰ساله بین ارتباط و این عشق دو جانبه به واسطه سکوت استاد، بین او و مخاطبان‌اش به وجود می‌آید و بعد که همان همایون خرم تصمیم به بازگشت به صحنه اجرا و اجرای کنسرت می‌گیرد، سالن از خیل علاقه‌مندان به استاد پر می‌شود و حتی یک صندلی خالی هم دیده نمی‌شود. به نظر شما چه فاکتورها و دلایلی باعث این ماندگاری آثار شمار دهن مخاطبان نسل گذشته و حتی نسل فعلی است؟

من این طور فکر می‌کنم که اگر انسان در پی هنر به طور کلی و به صورت خاص، در پی موسیقی با عشق و علاقه برود، بسیار می‌تواند در کارش موفق باشد. البته تاثیر یک استاد خوب در آموزش و یادگیری شاگرد و نحوه پرورش شاگرد از سوی استاد هم بسیار می‌تواند موثر باشد. یکی از بزرگان موسیقی ما جمله‌ای دارد که شاید بهترین جواب برای سوال شما باشد: «استاد، استاد می‌سازد.» این به آن معنی نیست که هر کسی در محضر یک استاد بزرگ تعلیم ببیند، قطعا یک نابغه خواهد شد. مشخص است که استعداد هم نقش بزرگی در این بین دارد اما اگر یک شاگرد با استعداد و عاشق پیش یک استاد خوب تعلیم ببیند به یک معرفتی در کارش دست پیدا می‌کند و به احتمال زیاد یک پیشش عمیق در کار را کسب می‌کند. این باعث می‌شود مثلا هر بار که در سه گاه چیزی می‌نوازد، با بار قبلی‌اش فرق داشته باشد. این همان عشقی است که خلاقیت پیدا کرده. خلاقیت بیشتر در اوایل کار، به‌صورت بداهه نوازی است که می‌تواند خودش را نشان دهد. من بسیار خودم را مدیون استاد بزرگم «ابوالحسن خان صبا» می‌دانم. ایشان معرفت را در کار موسیقی به من آموخت. شش سال در محضر ایشان بودم و خیلی چیزها را مدیون این استاد بزرگ هستم.

وقتی پس از ۱۰سال روی سن رفتید و سالن را پر از جمعیت دیدید، اولین حسی که سراغ تان آمد، چه بود؟

این همان عشقی بود که به شما گفتم. این استقبال مردم عاشق ترم کرد. شعله‌های این عشق مرا ابرافروخته‌تر کرد. نشان داد که اگر در این موسیقی بیشتر معرفت باشد، عشق عمیق‌تری را می‌تواند در دل‌ها باعث شود. این عشق باعث می‌شود که هنرمند هم متقابلا تحت تاثیر عشق مردم قرار بگیرد که این اتفاق دلپذیری است. در کنسرت قبلی من وقتی آن بالا کارهای قدیمی را اجرا می‌کردم، تعداد خیلی زیادی از مردم، کارها را از مزمره می‌کردند. همه حضارن در سالن خواننده‌های کنسرت من شده بودند و این تاثیر متقابل و انرژی مثبت بی‌نهایتی را به من می‌داد.

آدم‌های زیادی در نسل‌های مختلف با آواهایی که ساخت شما بوده به آرامش رسیده‌اند و خاطرات و لحظه‌های عاشقانه‌ای را تجربه کرده‌اند. دوست دارم بدانم که خود

همایون خرم با چه نواهایی آرام می‌شود؟

به طور کلی با نغمه‌های زیبا از هر کسی که می‌خواهد باشد. برای من فقط این طور نیست که همیشه کارهای خودم را بشنوم و از آنها لذت ببرم. از هم‌دوره‌ای‌هایم در برنامه گلها. هنرمندانی که واقعا با تمام وجود در یک دوره کار می‌کردند. مثل استاد تجویدی.

آخرین باری که یک موسیقی آنقدر شما را تکان داد و تاثیر روی تان گذاشته که اشک‌تان را در بیاور ددر دهن دارید؟

مربوط به دوره جوانی من می‌شود. اعتقاد دارم که اگر انسان با کارهای دیگران و موسیقی شان اشک‌اش سرازیر نشود، امکان ندارد که بتواند با موسیق‌اش اشک کسی را در بیاورد. من هم همین طور بوده‌ام. با کارهای اساد خالقی بارها گریه کرده‌ام.

شرایط موسیقی روز ایرانی را چطور می‌بینید؟

اعتقاد دارم که نباید جلوی کار موسیقی گرفته شود. چون

چهره‌ها



عکس نهجی حسنی شرقی

رو در رو با «همایون خرم» و همه خاطراتی که از اوو آثارش در ذهن نسل‌ها جا مانده

بعضی وقت‌ها نمی‌شود دوام آورد

بهمین باباز اده

آن جوان که با کارهای سطحی وارد موسیقی شده در حال پیوند با دنیای هنر است و نباید جلوی او را گرفت. باید به او فرصت داد و تشویق‌اش کرد. آن وقت او می‌تواند به مرور راه خودش را پیدا کند و بتواند خودش را نشان دهد. البته باید به این جوان نمونه‌های خوب ارایه داد. این در تعیین مسیر او خیلی می‌تواند موثر باشد.

بایان اوصاف، دلایل افت ذائقه موسیقایی مخاطب امروز موسیقی راجه عاملی می‌دانید؟

به نظر من موزیسین‌های ما باید روی موسیقی شان به نحوی کار کنند که آثار توت‌ری را نسبت به گذشته به مخاطبان‌شان عرضه کنند. اگر موسیقی با یک بیان نو و تحرک نو ارایه شود همه به سمت‌اش می‌روند. باید دقت بیشتری در ارایه داشته باشیم. ما استعداد‌های خوبی داریم که می‌شود خیلی بهتر از آنها استفاده کرد.

در ابتدای صحبت‌تان وجود عشق را در ماندگار شدن آثار یک خواننده بزرگ‌ترین دلیل عنوان کردید. محصولات خواننده‌های بازار موسیقی ایران این روزها به شکل یک کالای یک‌بار مصرف در بازار توزیع می‌شود و در یک دوره چند ماهه مورد توجه قرار می‌گیرد و بعد همه‌از حافظه‌ها پاک می‌شوند. این مترادف‌این جمله نیست که خواننده‌های ما عاشق کار موسیقی نیستند و صرفا به خاطر زرق و برق‌های عرصه ستاره شدن وارد دنیای موسیقی می‌شوند؟

جواب دادن به این سوال چندان راحت نیست، ولی چیزی که هست به نظر باید در همین موسیقی‌هایی که شما می‌گویید هم باید رفت و جنبه‌های عمیق‌اش را تحقیق کرد و به آنها پرداخت و مشکل را ریشه‌یابی کرد. از خیلی سال پیش همه‌واژه

«سامان احتشامی» نوازنده و آهنگساز پر آوازه‌ای که از ۱۸سالگی با استاد خرم روی سن رفته است، می‌گوید. هنرمندهادل خوش می‌خواهند و آرامش…اما… سامان احتشامی نوازنده جوان پیانو که سال‌های زیادی در کنار «جواد معروفی» ساز زد و از او تکنیک‌های نوازندگی پیانو را آموخته، در حال حاضر با فعالیت مستمر خود توانسته شاگردان زیادی را تربیت کند. او در انتقال‌دهنده آموزه‌های معروفی به نسل آینده است. با نوازندگی متفاوت خود توانسته با این ساز انواع نغمات ایرانی و موسیقی بومی را با همان تکنیک‌های موسیقی غربی بنوازد. با او در مورد استاد همایون خرم و تجربه شیرین اجرا با ایشان گپ زدیم. به نام «همایون خرم»: استاد خرم به من لقب جالبی گذاشته‌اند: «اکبر من الشیطان و شیطان من السامان». یعنی سامان از شیطان هم شیطان‌تر است و شیطان از سامان کوچکتر است! همایون خرم به نظر من جزو تنها «ملودی سرا»های ایران هستند. این اصطلاح شاید چندان در ادبیات موسیقی ما رایج نباشد ولی برای این اصطلاح من دلیل دارم. ایشان تا به حال اگر صد آهنگ سماخته‌اند، در مد قطعا نود و نه تایی آنها را حفظ‌اند و آنها را مزمره می‌کنند و دوست‌شان دارد و در زمان خودشان ایشان در سن ۱۴سالگی در رادیو یک نوازی‌های زیبایی داشته‌اند که شاهکارهایی برای دهه ۴۰ به حساب می‌آیند. ملودی‌های‌شان همیشه جاویدان بوده و هیچ‌وقت گرد گهنگی روی آنها ننشسته. مثل «امشب در سر شوری دارم» یا «توای پری کجایی». جزو افتخارات من است که در کارها و آلبوم‌های ابتدای‌ام، در سن ۱۷سالگی، کارهای ایشان را هم نواخته‌ام و ایشان هم با کمال تواضع قبول کردند و این اجازه را به من دادند. در سن ۱۸سالگی هم در سال ۱۷اولین کنسرت‌ام را با همایون خرم در تالار وحدت اجرا کردم که جزو بزرگ‌ترین افتخارات زندگی‌ام بوده. این برنامه آخری هم که در برج میلاد برگزار شد هم پنجمین اجرای من و استاد خرم بود که به بهترین شکل ممکن بر گزار شد و شب خوب و باشکوهی را تجربه کردیم. حس قبل از اجرا: تعارف که ندارم ولی هراس داشتم. دروغ هم هیچ جانی گویم. حتی این پیشنهاد را به استاد دادم که در تالار وحدت این برنامه را اجرا کنیم. ولی ایشان با اعتماد خاصی جلو رفتند و همه دیدند که مردم ما چقدر خاطره‌های‌شان را دوست دارند و در سالن جای سوزن انداختن نبود. حضور مردم: من فکر می‌کنم ۵۰در صد دلایل این حضور باشکوه مردم، خاطراتی بود که با استاد خرم در ذهن داشتند و باقی ماجرا هم تبلیغات خوب برنامه‌گذار بود که باعث شد مردم متوجه یک چنین اتفاق خوبی شوند و برای دیدن این برنامه بیایند. شب بزرگی بود. واقعا خوش داشتیم. حرف دل: هنرمند‌ها دل‌خوش می‌خواهند و آرامش و امنیت شغلی، همین باعث می‌شود که همیشه وقتی می‌خواهم کاری را انجام دهم، دودل باشم. ولی بالاخره دلم را به دریا می‌زنم و یا عا لی می‌گویم و جلوی می‌روم. همیشه هم خدا را شکر، به لطف خدا موفق بوده‌ام. به نظر من باید ضوابط از روی موسیقی در داشته شود تا هر هنرمندی با آرامش بتواند به کارش ادامه دهد، اثرش را ارایه بدهد و از مخاطب‌اش جواب بگیرد.

بیوگرافی

خرم به روایت شناسنامه

■ **استاد مهندس همایون خرم**

نام اصلی:امیر همایون خرم

تولد: ۹ تیر ۱۳۰۹، بوشهر

سبک‌ها: موسیقی سنتی ایرانی

فعالیت (ها): نوازنده، موسیقیدان، آهنگ‌ساز و

پژوهشگر

ساز (ها): ویلن

زندگی به روایت وب سایت شخصی استاد:

از پدری درستکار و آزاده و مداری فهیم و با احساس، پسری پا به عرصه وجود نهاد که نام او را «همایون» گذاردند. مادرش از شفیقتان موسیقی اصیل ایرانی بود و از مقام‌های موسیقی ایرانی به دستگاه همایون علاقه‌ای وافر داشت. به همین دلیل هم نام «همایون» را برای فرزند خود انتخاب کرد.

همایون خرم در سن ۱۱–۱۰ سالگی به مکتب استاد صبا راه یافت و به علت استعداد شگرف در ۱۵–۱۴ سالگی یک شبه ره صد ساله را پیمود و به عنوان نوازنده ۱۴ ساله، در رادیو ساز تنها اجرا کرد. بعدها در بسیاری از برنامه‌های موسیقی رادیو، خصوصا در برنامه گل‌ها، به عنوان آهنگساز، سولیست ویلن و رهبر ارکستر آثاری با ارزش ارایه داد.

همایون به موازات فعالیت عاشقانه و در عین حال محققانه در موسیقی ایرانی، از کسب علم نیز غافل نبود و در اکثر مراحل تحصیل از شاگردان ممتاز بود و تحصیلات عالیه خود را تاخذ دانشنامه در رشته مهندسی برق ادامه داد. سمت‌های ایشان در زمینه هنر و موسیقی؛ عضویت در شورای عالی موسیقی رادیو، رهبری ارکستر سازهای ملی، استاد دانشکده موسیقی ملی و هنرستان شبانه، آهنگساز در برنامه‌های موسیقی ایرانی و خصوصا برنامه گل‌ها، رهبری ارکستر گل‌ها و سولیست ویلن بوده است.

تعدادی از آهنگ‌های ایشان مانند: تنوای پری کجایی (سرگشته)، امشب در سر شوری دارم (غوغای ستارگان)، ساغرم شکستای ساقی (طاقم‌ده)، رسوای زمانه منم، ای همه شما بی گناهید، اشک من هویدا شد، پیک سحری، بعد از تو هم در بستر غم می‌توان خفت، ساقی ببین، دل پریشام زغم گرفته، آوای خسته دلان و ده‌ها آهنگ دیگر، همگی بیانگر نبوغ همایون خرم در کار آهنگ‌سازی است.

شایان ذکر است؛ همایون خرم در ضمن تسلط در نوازندگی و بداهه نوازی، آهنگسازی خلاق و کم‌نظیر و در عین حال مسلط به ظرایف نظری و تئوریک موسیقی ایرانی است و از این نظر پژوهشگری با ارزش و محقق‌ی ممتاز به شمار می‌رود.

آثار اجرایی:

برنامه‌های متعدد گل‌های رنگارنگ، برنامه‌های موسیقی FM رادیو، برنامه‌های بداهه نوازی در رادیو، تعدادی برنامه تکنوازان با همکاری هنرمندان دیگر به صورت مهنو نوازی؛ همچنین همنوای با هنرمندانی مانند شادروان استاد جواد معروفی، استاد جلیل شهنواز، استاد فرهنگ شریف و شادروان منصور صابری همراه با ضرب شادروان چهارگانه ملوک و شادروان امیر ناصر افتخار.

آثار موسیقی ایشان به صورت کاست و لوح فشرده (CD) شامل همنوای با استادان جواد معروفی، جلیل شهنواز و فرهنگ شریف هم اکنون در اختیار علاقه‌مندان است.

آثار مکتوب:

۱- ردیف اول چپ کوک (نوای مهر)، شامل آوازه‌ها، چهار مضرب‌ها، قطعات و تعدادی از آهنگ‌ها.

۲- ردیف دوم راست کوک؛ شامل تعدادی از پیش‌درآمدها، چهار مضرب‌ها و رنگ‌ها که هم اکنون در حال آماده‌سازی و چاپ است.

از فعالیت‌های دیگر ایشان می‌توان به سخنرانی درباره موسیقی ایرانی در مراکز هنری و فرهنگی اروپا و آمریکا مانند دانشگاه UCLA، دانشگاه گیلان، دانشگاه پزشکی شیراز (درباره استاد صبا و موسیقی ایرانی)، انجمن موسیقی فارس (درباره استاد ابوالحسن صبا)، دانشگاه علامه طباطبایی (درباره مقامات موسیقی ایرانی)، فرهنگسرای ارسباران (درباره استاد علی نقی وزیری)، دانشگاه صنعتی اصفهان (درباره مشخصات موسیقی ایرانی) و سخنرانی‌های متعدد دیگر در تالار رودکی تهران به مناسبت‌های مختلف اشاره کرد.

سمت‌ها:

• عضویت در شورای عالی موسیقی رادیو

• رهبری ارکستر سازهای ملی

• استاد دانشکده موسیقی ملی و هنرستان شبانه

• آهنگساز در برنامه‌های موسیقی ایرانی و برنامه گل‌ها

• رهبری ارکستر

• سولیست ویلن

• آموزش نوازندگی ویلن، از جمله شهرام خسروی و

بابک مهری



سال ۱۳۸۹ سال رونق گرفتن کنسرت‌های موسیقی در کشور بود و روند اعطای مجوز به شکلی بود که گسترده‌گی کنسرت‌ها در تهران و شهرستان‌ها باعث ایجاد فتنای موسیقایی گسترده‌ای در جامعه شد. تداوم این اتفاق‌ها را چقدر در پیشرفت موسیقی موثر می‌دانید؟

قطعا موثر خواهد بود. چون رونق هر هنری می‌تواند آثار خوبی را در جامعه داشته باشد.

بزرگ‌ترین دغدغه همایون خرم این روزها چیست؟

موسیقی در مسیر زمان فرار و نشیب‌های فراوانی راطی کرده. من هم امیدوارم که بعد از این فقط فراز باشد و فرودی را مجبور نباشیم. تجربه کنیم. دغدغه‌من همین است که گفتم، اینکه بشور بیشتر توجه‌شود. به‌سه گامی‌بشتر توجه‌شود.

و چه چیزی این روزها بیشتر از همه آرامش شما را به هم‌زد؟

جواب درستی به این سوال شما ندارم. فقط اینکه بعضی وقت‌ها آدم حس می‌کند که نمی‌تواند دوام بیآورد. همین!